

## پژوهشی در سند و محتوای زیارت رجبیه

دکتر مجید رضایی دوانی

عضو هیات علمی دانشگاه مفید و مدیر مرکز مطالعات قرآن

ابراهیم صالحی حاجی آبادی

فارغ التحصیل دانشگاه مفید، قم دانشگاه مفید، گروه معارف قرآن.

### چکیده

از آنجا که زیارت رجبیه به ۹۰ تن از کسانی که ادعا شده در کربلا به شهادت رسیده اند سلام داده و برخی این زیارت را به امام زمان نسبت داده اند، و شخصیتی بزرگی چون ابن طاووس آن را در قرن هفتم نقل کرده، این زیارت به عنوان یکی از مهمترین منابع مورد استناد برای کتب متأخرین در استخراج اسماء شهدای کربلا تلقی شده است. اما استناد این زیارت به امام زمان -عجل الله تعالی فرجه- به علت پیشینه تاریخی، مشکل سند و مشکلات متعدد محتوایی که داراست، تمام نیست. در متن منقول این زیارت برخی اسامی تحریف یا تصحیف شده و نام برخی از دشمنان امام حسین به عنوان یاران آن حضرت آمده است.

کلید واژگان: شهدای کربلا، زیارت رجبیه، ابن طاووس، تحریف و تصحیف

برخی از منابع کهن در صدد جمع آوری نام شهدای کربلا بوده اند، مانند زیارت ناحیه مشهدی با ذکر ۷۴ نام، زیارت ناحیه ابن طاووس با ۸۱ نام، کتاب "تسمیة من قتل" با ۱۰۶، کتاب "الحدائق الوریة" با ۱۰۵ نام، زیارت رجبیه با ۹۰ نام، و المزار شهید اول با ذکر ۹۵ شهید از جمله منابع کهن می باشند. (ر.ک ابن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۴۸۷-۴۹۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۷۳-۸۰؛ المرشد بالله، ۱۴۰۳: ص ۱۷۰؛ ابن احمد، ۱۴۰۵: ص ۱۱۷-۱۲۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۱-۳۴۶؛ ابن مکی، ۱۴۱۰: ص ۱۴۸-۱۵۴) زیارت ناحیه مشهدی و ابن طاووس، کتاب تسمیة و الحدائق، زیارت رجبیه و المزار شهید اول، دو به دو و با اندک تفاوت از یک منبع اتخاذ شده اند که در این مقاله بحث خود را بر زیارت رجبیه که نام شهدای کربلا در آن ذکر شده متمرکز کرده و به بررسی سند و محتوای آن پرداخته می شود. لازم به ذکر است برخی از اسامی که در زیارت رجبیه به آنها سلام داده شده است، در دیگر منابع کهن از جمله-زیارت ناحیه ابن طاووس و مشهدی، تسمیه من قتل و الحدائق- نامی از آنها به میان نیامده و زیارت رجبیه متفرد در ذکر این اسما می باشد که در ذیل برخی از آنها بررسی می شود. از آنجا که این زیارت در اعمال نیمه شعبان ذکر شده به زیارت نیمه شعبان نیز معروف است. زیارت رجبیه به علت آنکه توسط ابن طاووس نقل شده و پیشینه آن به قرن هفتم باز می گردد و نام ۹۰ تن از شهدای کربلا در آن ذکر شده، در میان متاخرین از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است، و این کثرت مراجعه دلیل بر اهمیت و اعتبار این زیارت در نگاه متاخرین است. در این پژوهش سعی شده به دور از هر گونه پیش داوری و تعصب و یا تبعیت از مشهور، با نگاهی انتقادی- پژوهشی به بررسی این زیارت پرداخته تا در پایان دریابیم آیا صحیح است آن را به امام معصوم نسبت داده و مانند دیگر منابع کهن و معتبر به آن اعتماد کرد؟!

در ضرورت و لزوم این پژوهش همان بس که برخی از بزرگان متاخرین با استناد به این زیارت جبله بن عبدالله - که تا سال ۶۵ هجری در قید حیات بوده و تحت فرماندهی ابن زیاد به جنگ با سلیمان بن سرد رفته- را در شمار شهدای کربلا ذکر کرده و وی را در اعلی مراتب وثاقت شمرده اند، و یا اینکه در این زیارت بر قاتل یکی از یاران امام حسین بنام سلیمان بن عوف حضرمی سلام فرستاده شده است. تمام این موارد لزوم و اهمیت این پژوهش را روشن می کند.

راجع به پیشینه این بحث مطلبی که با نگاهی نقادانه به بررسی موضوع پرداخته باشد، یافت نشد، و آنچه بیان می شود با تکیه بر متون متقدمین مورد بررسی قرار گرفته است. برای جلوگیری از پراکندگی و سهولت بحث، موضوع مقاله را در چند بحث مطرح کرده و به موضوعاتی همانند جایگاه زیارت رجبیه و لزوم بحث از آن، پیشینه تاریخی زیارت رجبیه، بحثی پیرامون سند و محتوا و نیز اشکالات تاریخی که در این زیارت مطرح شده، بیان می شود و در پایان به این نتیجه می رسیم که در تحلیل و بررسی مباحث تاریخی خصوصاً در تاریخ اهل بیت و کربلا، اعتماد به منابع ضعیف باعث اشتباهات متعدد می گردد به طوری که بر برخی از دشمنان امام حسین و اهل بیت سلام فرستاده شده است!! در پرتو این نوشته ضرورت تحقیق و پژوهش دقیق و عمیق راجع به تاریخ اسلام، خصوصاً تاریخ کربلا و زندگانی اهل بیت هویدا می شود. در پایان لازم به ذکر است افزون بر زیارت رجبیه که در آن به شهدای کربلا سلام فرستاده شده است، زیارت دیگری نیز به همین نام نقل شده که در اعمال ماه رجب بیان شده است و با عبارت «الحمد لله الذی اشهدنا مشهد اولیائه...» (ابن المشهدی، ۱۴۱۹: ص ۲۰۳؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۱۸۳) شروع شده، اما مراد از زیارت رجبیه در این مقاله همان زیارتی است که به شهدای کربلا سلام فرستاده شده است و در کتب دعا- همانند مصباح، المزار مشهدی و مفاتیح الجنان- ذکر نشده و در کتاب اقبال، سپس در بحار ذکر شده است؛ بر خلاف زیارت «الحمد لله الذی اشهدنا مشهد...» که در آن به صورت عام بر اولیاء الله سلام فرستاده شده و به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف- نسبت داده شده است.

### جایگاه زیارت رجبیه در میان متاخرین و لزوم بحث از آن

زیارت رجبیه به سه دلیل در میان متاخرین از جایگاه ویژه ای برخوردار شده است. اولاً بخاطر قدمت تاریخی آن که به قرن هفتم باز می گردد؛ ثانیاً به دلیل اینکه نام ۹۰ تن از شهدای کربلا در این زیارت ذکر شده است، ثالثاً: چون این زیارت توسط ابن طاووس، یکی از علماء بزرگ شیعه نقل شده، این زیارت از اهمیت ویژه ای برخوردار شده و بسیار مورد مراجعه و استناد خواص و عوام از متاخرین قرار گرفته است، به گونه ای که مرحوم آیت الله خوئی در معجم رجال خود، در حدود ۴۹ مرتبه به این زیارت استناد کرده، که در حدود ۲۹ مرتبه تنها با استناد به زیارت رجبیه، نام برخی از شهدای کربلا را استخراج و در شمار شهدای کربلا ذکر کرده است. (ر.ک الخوئی، ۱۹۳۷: ج ۳، ص ۲۶۶، ذیل بدر بن رقیط؛ ص ۲۸۹، ذیل بریر بن الحصین؛ ج ۴، ص ۳۴، ذیل جبله بن

عبدالله؛ ص ۴۲، ذیل جریر بن یزید؛ ص ۲۳۹، ذیل جلاس بن عمرو؛ ج ۶، ص ۲۰۵، ذیل حماد بن حماد؛ ج ۷، ص ۲۹۷، ذیل زهیر بن سلیمان؛ ص ۲۹۶، ذیل زهیر بن سائب؛ ج ۸، ص ۲۶۸، ذیل سلیمان بن سلیمان؛ ص ۳۶۳، ذیل سیف بن حارث؛ ص، ذیل عامر بن جلیده؛ ج ۹، ص ۲۰۷، ذیل عامر بن مالک؛ ص ۳۴۹، ذیل عبدالرحمان بن عبدالله؛ ص ۳۶۸، عبدالرحمان بن یزید؛ ج ۱۰، ص ۱۲۴، ذیل عبدالله بن بدر؛ ج ۱۱، ص ۷۳، ذیل عبیدالله بن بدر؛ ص ۱۳۴، ذیل عثمان بن فروه؛ ص ۱۶۶، ذیل عقبه بن سمعان؛ ج ۱۳، ص، ذیل عمر بن ابی کعب؛ ص، ذیل عمر بن کناد؛ ص، ذیل عمرو بن خلف؛ ص، ذیل غیلان بن عبدالرحمان؛ ج ۱۴، ص ۱۶، ذیل قاسم بن حارث؛ ص ۱۰۱، ذیل قیس بن عبدالله همدانی؛ ص ۱۷۷، ذیل مالک بن عبدالله حائری؛ ج ۱۸، ص ۱۵۱، ذیل مسلم بن کناد؛ ص ۱۵۳، ذیل مسلم مولی عامر بن مسلم؛ ص ۳۳۷، ذیل منذر بن مفضل؛ ج ۱۹، ص ۱۱، ذیل منیع بن رقاد) یا مرحوم آیت الله نمازی در حدود ۳۳ مرتبه به این زیارت استناد کرده و با استناد به همین زیارت در حدود ۱۹ نام از شهدای کربلا را از این زیارت استخراج کرده؛ (النمازی، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۱۲۹، ذیل جریر بن یزید؛ ص ۲۳۴، ذیل جلاس بن عمرو؛ ج ۴، ص ۱۳۵، ذیل سلیمان بن سلیمان؛ ص ۱۴۳، ذیل سلیمان بن عون؛ ص ۱۴۵، ذیل سلیمان بن کثیر؛ ص ۳۱۵، ذیل عامر بن جلیده؛ ص ۳۲۲، ذیل عامر بن مسلم؛ ص ۴۲۵، ذیل عبدالرحمن بن یزید؛ ص ۴۸۹، ذیل عبدالله بن بدر؛ ج ۵، ص ۱۸۸، ذیل عبیدالله بن علی؛ ص ۱۲۲، ذیل عثمان بن فروه؛ ص ۲۴۸، ذیل عقبه بن سمعان؛ ج ۶، ص ۳۸، ذیل عمرو بن خلف؛ ص ۷۶، ذیل عمر بن ابی کعب؛ ص ۲۴۰، ذیل قاسم بن حارث؛ ص ۲۹۱، ذیل قیس بن حارث؛ ج ۷، ص ۴۱۶، ذیل مسلم بن کناد؛ ص ۴۱۸، ذیل مسلم مولی عامر؛ ص ۵۰۳، ذیل منذر بن مفضل) دقیقاً به همین اندازه یا بیشتر در دیگر کتب، زیارت رجبیه مورد استناد قرار گرفته و این کثرت مراجعه دلیل بر اهمیت و اعتبار تلقی کردن آن می باشد. در عصر حاضر کمتر کتابی راجع به امام حسین و اصحاب وی نگاشته می شود که در آن زیارت رجبیه به عنوان یک منبع، مورد استناد قرار نگرفته باشد، و همین امر ضرورت و لزوم بحث را دو چندان می کند. مضاف بر آنکه در این زیارت، بر برخی از افراد سلام فرستاده شده که در منابع قبل از قرن هفتم اثری از این اسما نیست. حال ممکن است اشکال شود اساساً چه اشکالی دارد این زیارت مورد استناد قرار گیرد و چه مشکلی پیش می آید که ضرورت این پژوهش هویدا گردد؟! در پاسخ به این گونه اشکالات و نیز در ضرورت و لزوم بحث راجع به این موضوع باید گفت: عده ای از بزرگان همانند علامه مامقانی چندین مرتبه، زیارت رجبیه را به امام معصوم نسبت داده (رک

المامقانی، ۱۳۵۲: ج ۲، جزء اول، ص ۱۰۶، ذیل ضرغامه بن مالک؛ و ص ۱۴۵، ذیل عبدالرحمن بن عبدالله اربحی؛ و ص ۱۴۶، ذیل عبدالرحمن بن عقیل؛ و ص ۲۱۸، ذیل عبدالله بن مسلم بن عقیل؛ و ص ۲۴۰، ذیل عبدالله بن علی؛ و ج ۲، جزء دوم ص ۶۰، ذیل محمد بن ابی سعید؛ ج ۳، ص ۲۱۳، ذیل مسعود بن حجاج؛ و النمازی، ۱۴۲۶: ج ۵، ص ۱۸۸) و برخی دیگر صریحا این زیارت را به امام زمان-عجل الله تعالی فرجه- نسبت داده اند. (مامقانی، ۱۳۶۰: ق: ص ۹۰، ذیل جعفر بن عقیل و جعفر بن علی؛ ص ۱۰۶، ذیل حنظله بن اسد؛ ص ۱۱۹، ذیل ضرغامه بن مالک؛ ص ۱۲۷، ذیل عبدالرحمن بن عقیل؛ ص ۱۳۵، ذیل عبدالله بن مسلم، ص ۱۵۷، ذیل عون بن عبدالله؛ ص ۱۶۶، ذیل مسعود بن حجاج؛ ص ۱۷۰، ذیل منجیح مولى حسین؛ ص ۱۷۲، ذیل نعمان بن عمرو و نعیم بن عجلان) اما استناد مذکور تمام نیست، و دارای اشکالات تاریخی غیر قابل دفع می باشد.

### پیشینه تاریخی و سند زیارت رجبیه

در بررسی روایات و مطالب تاریخی توجه به سند و منبعی که آن مطلب یا روایت را بیان کرده، از اهمیت بسزایی برخوردار است. به گونه‌ای که اگر روایتی بدون سند یا با سند ضعیف از پیامبر اسلام-صلی الله علیه و آله- نقل شده باشد، این دسته از روایات اعتبار لازم برای استناد را نداشته و نمی‌توان فقط با تکیه به آن حکمی را بر آن بار کرد، یا بدان استناد نمود. راجع به زیارت رجبیه که در میان متاخرین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و گفته شده از امام معصوم نقل شده و برخی با آن معامله قول معصوم را کرده‌اند، باید سند آن بررسی شود. برای روشن شدن مقدار اعتبار آن لازم است نگاهی به سند و احیاناً روایان این زیارت انداخته شود، تا میزان اعتبار آن مشخص گردد. آیا همانگونه که برخی از متاخرین معتقدند، این زیارت از طرف امام معصوم یا امام زمان صادر شده تا بتوان بر آن تکیه تام و تمام نمود و درصدد استخراج اسماء شهدای کربلا از زبان معصوم برآمد؟! یا اینکه باید به عنوان یک متن تاریخی که فاقد سند و دارای اشکالات عدیده است با آن برخورد شود؟! برای صحت و سقم این مطلب باید به منبع اولیه و اصلی این زیارت رجوع کرد تا حقیقت امر روشن شود. هنگامی که به کتب زیارات و دیگر کتب کهن مراجعه می‌شود، اثری از این زیارت با همین کیفیت خاص، یافت نمی‌شود، مگر در کتاب ابن طاووس م ۶۶۴، که به احتمال قوی در میان قدماء اولین فردی بود که زیارت مذکور را به صورت مکتوب،

نقل کرده است. ابن طاووس در اعمال نیمه شعبان، در فصل ۵۳ تصریح کرده: «فیما نذکره من لفظ زیارة الحسین علیه السلام فی نصف شعبان أقول: إن هذه زیارة مما یزار بها الحسین علیه السلام أول رجب أيضا، وإنما اخرنا ذکرها فی هذه اللیلة لأنها أعظم، فذکرناها فی الأشرف من المکان، وهی: إذا أردت ذلک فاغتسل والبس أظهر ثیابک...» (ر.ک ابن طاووس، ۱۴۲۶: ج ۳، ص ۳۴۱) (( از جمله لفظ زیاراتی که برای زیارت امام حسین در نیمه شعبان ذکر می کنیم، من می گویم: این زیارت، در شمار زیاراتی است که بوسیله آن امام حسین در اول رجب نیز زیارت می شود، اما به دلیل اهمیت شب نیمه شعبان، ما این زیارت را در اول رجب ذکر نکردیم، بلکه در شب نیمه شعبان ضبط نمودیم؛ پس در هنگام زیارت غسل کن، لباس تمیز بپوش و...».

همانگونه که مشاهده شد، ابن طاووس در قرن هفتم این زیارت را نقل کرده و در مطلبی که بیان نموده، هیچ اشاره ای به تاریخ و سند این زیارت نکرده و از آنجا که روش ابن طاووس این بوده که در متن دعاها و زیارات، اگر داری سند بود، با ذکر سند، زیارت و دعا را نقل می نمود. ابن طاووس در کتاب مصباح الزائر بعد از ذکر زیارتی که مختص به امام حسین در اول ماه رجب است و زیارت شهدا با نام آنها، تصریح کرده است: «... وینبغی أن تعرف - أیدک الله جل جلاله - بتقواه إننا تبعنا فی ذلک ما رأیناه أو رویناه، ونقلنا فی کل موضع کما وجدناه» «شایسته است که بدانی ما آنچه دیدیم یا روایت کردیم را تبعیت کردیم و هر چه یافتیم را نقل نمودیم» (شمس الدین، ۱۴۲۹: ص ۱۹۵) و ابن طاووس نیز همین روش را در کتاب اقبال پیروی کرده است. اما راجع به زیارت رجبیه، ابن طاووس در این جا هیچ اشاره ای به راوی و یا تاریخ این زیارت نکرده است. فلذا اینکه برخی از بزرگان آن را به امام نسبت داده اند، برخلاف صریح متن

<sup>۱</sup> - از باب مثال ابن طاووس زیارت دیگری را در فصل ۱۴، برای امام حسین و یاران آن حضرت ذکر کرده و در آن راوی و حتی تاریخ بوجود آمدن این زیارت را ذکر کرده و در این باره می نویسد: «فیما نذکره من زیارة الشهداء فی یوم عاشوراء رویناها بإسنادنا إلی جدی أبی جعفر محمد بن الحسن الطوسی رحمه الله علیه قال: حدثنا الشیخ أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عیاش، قال: حدثنی الشیخ الصالح أبو منصور بن عبد المنعم بن النعمان البغدادی رحمه الله علیه، قال خرج من الناحیة سنة اثنتین وخمسين ومائتین علی ید الشیخ محمد بن غالب الأصفهانی حین وفاء أبی رحمه الله، وکنت حدیث السن، وکتبت استأذن فی زیارة مولای أبی عبد الله علیه السلام و زیارة الشهداء رضوان الله علیهم، فخرج إلی منه...» (ابن طاووس، ۱۴۲۶: ج ۳، ص ۷۳)

ابن طاووس است. زیرا ابن طاووس این زیارت را نه تنها به امام، بلکه به هیچ فرد و منبعی نسبت نداده و زیارت مرسوم در آن زمان را نقل کرده، پس زیارت رجبیه سندی ندارد تا بتوان در مورد ضعف و قوت سند آن بحث کرد، سپس حجیت آن را برای استخراج اسامی شهدای کربلا بدست آورد، هر چند مرحوم آیت الله خوئی - قدس سره - در رجال خود تصریح به ضعف سند این زیارت نموده. (الخویی، ۱۹۷۳: ج ۸، ص ۷۴، ذیل سعد بن عبدالله) اما همانگونه که بیان شد، اساساً این زیارت سندی ندارد، تا نوبت به بررسی صحت و سقم آن برسد. عبارت «إن هذه الزيارة مما يزار بها الحسين عليه السلام» ر.ک (ابن طاووس، ۱۴۲۶: ج ۳، ص ۳۴۱) گویای آن است که زیارت مذکور در همان زمان ابن طاووس، از جمله زیارات مرسوم بوده که با آن حضرت سید الشهداء و اصحابش - سلام الله علیهم - زیارت می شد ظاهراً ابن طاووس اولین کسی است که این زیارت را در قرن هفتم نقل کرده و بر فرض که ثابت شود، قبل از ابن طاووس افراد دیگری آن را نقل کرده اند، و بر فرض که زمان صدور آن به عصر معصومین باز گردد، باز مشکل محتوایی این زیارت و اشکالات غیر قابل توجیه بر این زیارت هنوز باقی است. ذکر این نکته لازم است که بعد از ابن طاووس، زیارتی در غالب همان الفاظ ابن طاووس و با اندکی تفاوت، توسط شهید اول م ۷۸۶، ذکر شده، (ر.ک ابن مکی، ۱۴۱۰: ص ۱۴۷) مرحوم مجلسی نیز با تکیه بر قول ابن طاووس این زیارت را با اندک تفاوت در ضبط اسامی نقل کرده است. (ر.ک مجلسی، ۱۳۹۸: ج ۱۰۱، ص ۳۴۰) و از آنجا که متن مورد استناد متاخرین، همان متن ابن طاووس است، که از لحاظ تاریخی بر متن شهید اول نیز تقدم دارد، در این نوشته ملاک و معیار همان متن ابن طاووس است، گرچه مطالبی که بیان می گردد، زیارت شهید اول را نیز شامل می گردد.

کیفیت شهادت امام حسین و یاران آن حضرت، و نوع برخورد دشمن با اهل بیت پیامبر، از جمله عواملی بود که باعث شد هر چه زمان بیشتری از این حادثه بگذرد، مردم راجع به آن بزرگواران ارادت و عشق بیشتری نشان داده و این ارادت ها در برخی موارد مشکل ساز شده است. از جمله کارهایی که در این زمینه صورت گرفته بود، انشاء و تالیف زیارت راجع به آن حضرت و اصحاب با وفای ایشان بود و احتمال دارد زیارت رجبیه که در آن به ۹۰ تن سلام داده شده نیز از سوی افراد غیر مطلع تالیف و یا در نقل اصل آن بی دقتی شده است.

### پیرامون محتوای زیارت رجبیه

تاکنون مشخص شد که زیارت رجبیه در قرن هفتم به بعد پا به عرصه نهاد و از آنجا که فاقد سند است، قابلیت بحث سندی را ندارد. حال ممکن است کسی اعتراض کند: چه اشکال دارد که این زیارت در جامعه مورد استناد قرار گیرد و مردم با آن بر شهدای کربلا سلام بفرستند و نویسندگان نیز در کتب خود به آن استناد کنند؟! در پاسخ باید عرض کرد: اگر امر به همین سادگی بود، مشکلی نداشت، اما واقعیت چیزی فراتر از آن است. زیرا در این زیارت بر برخی افراد سلام فرستاده شده که یا وجود خارجی نداشتند، یا در شمار دشمنان سیدالشهداء و اهل بیت بودند. در اینجا بحث خود را در چند نکته بیان می‌کنیم.

### نکته اول: کیفیت ضبط اسماء

از جمله سهو قلم و زبانی که در زیارت رجبیه به وفور یافت می‌شود، سلام دادن بر افرادی است که از لحاظ ضبط و کیفیت ثبت اسماء مشکل دارد که در این مختصر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

مورد اول: از جمله سلام‌های مذکور در این زیارت، این است «السلام علی جلاس بن عمرو» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۶؛ مجلسی، ۱۳۹۸: ج ۱۰۱، ص ۳۴۱) و همین سلام باعث شده برخی از رجال شناسان متأخر با استناد به زیارت رجبیه نام جلاس را در شمار شهدای کربلا ذکر کنند. (رک الخویبی، ۱۹۷۳: ج ۴، ص ۱۴۴؛ النمازی، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۲۳۴) و این در حالی است که وقتی به کتب متقدمین راجع به شهدای کربلا مراجعه می‌شود در میان آنها، کتاب "تسمیة من قتل" اولین کتابی است که راجع به شهادت این فرد نوشته و علاوه بر ضبط نام جلاس تصریح کرده: «و نعمان بن عمرو و جلاس بن عمرو راسبیین به شهادت رسیدند». (ابن الزبیر، ۱۴۰۶: ص ۱۵۵) سپس ابن شهر آشوب م ۵۸۸، تصریح کرده: جلاس و برادرش نعمان، در حمله اول به شهادت رسیدند. (رک ابن شهر آشوب، بی تا: ج ۴، ص ۱۱۳) بعد از وی، صاحب الحدائق م ۶۵۲ همان مطلب تسمیة من قتل را ذکر کرده است. (ابن احمد، ۱۴۰۵: ص ۱۲۲) بنابراین کیفیت ضبط نام این فرد، بر طبق کتب کهن و منابع قبل از زیارت رجبیه، جلاس است نه جلاس که در زیارت رجبیه به وی سلام داده شده است. حال اشکال نشود که تفاوت در یک نقطه است و جلاس یا جلاس یکی هستند، زیرا در پاسخ باید گفت: همانگونه که بیان شد ظاهراً جلاس بن عمرو از شهدای کربلاست، اما



جلاس بن عمرو یکی از صحابی پیامبر اکرم-صلی الله علیه و آله- و از راویان حدیث بود. (المتقی الهندی، ۱۴۱۹: ج ۱ (۱-۲)، ص ۲۱۳، رقم ۱۷۶۱؛ ابن الاثیر، ۱۳۷۷: ج ۱ (۱-۲-۳)، ص ۲۹۲ و ج ۵، ص ۲۲۲؛ ابن حجر، ۱۴۲۶: ج ۱، ص ۶۰۰؛ البته جلاس نیز در میان چند نفر مشترک می باشد که از محل بحث خارج می باشد.) اما در زیارت رجبیه به جلاس بن عمرو، صحابی پیامبر سلام داده شده، اما نامی از شهید کربلا به میان نیامده است!!

مورد دوم: از دیگر سلام های مذکور در زیارت رجبیه این است «السلام علی عمار بن حسان». (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۶) در حالی بر عمار بن حسان سلام داده شده که طبق منابع معتبر و اولیه فردی که با امام حسین در کربلا به شهادت رسید عامر بن حسان بود، (النجاشی، ۱۴۱۳: صص ۱۰۰ و ۲۲۹، ذیل احمد بن عامر و عبدالله بن احمد بن عامر؛ ابن یوسف الحلّی، ۱۴۱۷: ص ۱۱۱؛ ابن الزبیر، ۱۴۰۶: ص ۱۵۴؛ ر.ک. الابطحی، ۱۴۱۷: ج ۳، ص ۵۳۰؛ ر.ک. الخوی، ۱۹۷۳: ج ۹، ص ۱۹۶ و ج ۱۲، ص ۲۷۲؛ الامین، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۴۳۷) نه عمار بن حسان!! هر چند بزرگانی همانند شیخ طوسی نام وی را عمار بن حسان ذکر کرده (ر.ک. الطوسی، ۱۹۶۱: ص ۷۷) و برخی دیگر نیز به تبعیت از شیخ طوسی اینگونه ضبط کرده اند. (ر.ک. التفرشی، ۱۳۱۸: ج ۳، ص ۳۱۵؛ الاردبیلی، بی تا: ج ۱، ص ۶۱۱؛ البروجردی، ۱۴۱۰: ج ۲، ص ۷۰؛ النمازی، ۱۴۲۶: ج ۶، ص ۵) اما نظر نجاشی و دیگر بزرگان همانند علامه حلّی، بر قول شیخ طوسی ارجحیت دارد، زیرا آنها بر شهادت عامر بن حسان تصریح کرده اند، بر خلاف شیخ طوسی و دیگران که فقط نام وی را در شمار اصحاب امام حسین ذکر کرده اند. مضاف بر اینکه کتاب تسمیه من قتل که به قرن دوم باز می گردد، نام عامر بن حسان را در شمار شهدای کربلا ذکر کرده و بخاطر تقدم زمانی این کتاب، به عنوان بهترین موید بشمار می آید.

مورد سوم: در زیارت رجبیه بیان شده: «السلام علی عامر بن مسلم و مولا مسلم». (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۵) در این سلام نام مولای عامر، مسلم ذکر شده و برخی از رجال شناسان متاخر با استناد به زیارت رجبیه، نام مولای عامر را مسلم بیان کرده و تصریح کرده اند: مسلم، مولی عامر بن مسلم از شهدای کربلاست که در مقابل امام حسین به شهادت رسید و در زیارت رجبیه دارای سلام است. (الخوئی، ۱۹۷۳: ج ۱۸، ص ۱۵۳؛ النمازی، ۱۴۲۶: ج ۷، ص ۴۱۸؛ التستری، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۴۸۷، ذیل مسلم مولی عامر) این در حالی است که برخی کتب و منابع اولیه که قبل از قرن هفتم به نگارش در آمده، نام مولای عامر بن مسلم، را سالم ذکر کرده اند نه مسلم.

(ابن الزبیر، ۱۴۰۶: ص ۱۵۳؛ ابن المشهدی، ۱۴۱۹: ص ۴۹۴؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۷۸؛ ابن احمد، ۱۴۰۵: ص ۱۲۱) فلذا اگر بنا باشد که به یکی از این دو قول اعتماد کرد، ترجیح با قولی است که نام مولای عامر را سالم ذکر کرده و متن قرن دوم به مراتب معتبرتر از متن قرن هفتم است که در ذکر این نام نیز متفرد است. علاوه بر اینکه ابن طاووس در زیارت ناحیه که تاریخ صدور آن به سال ۲۵۲ باز می گردد، نام مولای عامر را سالم ذکر کرده است. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۷۸).

مورد چهارم: از دیگر موارد سهو قلم و یا زبان در زیارت رجبیه سلامی است که در ضبط نام فرزند و پدر دچار سهو قلم شده، در زیارت رجبیه تصریح شده: «السلام علی بدر بن رقیط و ابنه عبدالله و عبیدالله». (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۵) و حال آنکه نام این فرد یزید بن نبیط بود که همراه دو فرزندش عبدالله و عبیدالله در کربلا حاضر شد و به شهادت رسیدند. (ابو مخنف، ۱۳۶۴: ص ۱۸؛ الطبری، ۱۹۳۹: ج ۴، ص ۲۶۳؛ ابن الاثیر، ۱۳۵۶: ج ۴، ص ۲۱، ذکر این نکته لازم است که ابن اثیر در نسخه ای که دار صادر، بیروت، ۱۹۷۹، منتشر کرده، نام پدر یزید را - بر خلاف تمام نصوص قبلی و کهن - بنیط ضبط کرده، و این در حالی است که در نسخه الکامل، به تصحیح عبد الوهاب نجار، همانند کتب دیگر بنیط ثبت شده که صحیح در این مورد همین نسخه اخیر می باشد).

مورد پنجم: از دیگر سلام ها این است: «السلام علی انس بن کاهل الاسدی». (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۶) یعنی سلام بر انس فرزند کاهل اسدی. اما وقتی به تاریخ کربلا مراجعه شود شخصی با این نام وجود ندارد، بلکه فردی به نام انس بن حارث در آن صحرا به شهادت رسید و احتمال دارد در اینجا کاهل از اجداد انس بوده و در اینجا بجای نام پدر انس، نام جد وی ذکر شده باشد. اما این مطلب خلاف ظاهر بوده و به هیچ وجه قابل توجیه نیست و مانند این است که فردی بگوید: حسین بن ابیطالب، بعد بگوید مراد من حسین بن علی بن ابیطالب باشد. به نظر اینکه فردی را به نام جدش بخوانیم اشتباه است، مگر آنکه قرینه ای واضح بر آن دلالت کند؛ به هر حال نام پدر انس، حارث است نه کاهل!! و تاریخ کهن بر این امر تصریح دارد. انس بن حارث همان کسی است که از نبی اکرم -صلی الله علیه و آله- روایت کرد: «این فرزندم [حسین]، در سرزمینی از عراق کشته می شود، هر کس آن را درک کرد، باید یاریش کند». (المتقی الهندی، ۱۴۱۹: (۱۱-۱۲) ج ۱۲، ص ۵۸، ج ۳۴۳۰۹، باب مقتل الحسین؛ الصفدی، ۱۴۲۰: ج ۹، ص ۲۳۹) عده ای از مورخین و بزرگان ضمن بیان این حدیث از انس بن حارث، تصریح کرده اند: انس در کربلا به شهادت رسید. (الخطیب التبریزی، بی تا: ص ۴۵؛ ابن شهر آشوب، بی تا: ج ۱،

ص ۱۴۰؛ ابن عساکر، ۱۴۲۱: ج ۷، جزء ۱۴، ص ۲۱۷؛ ابن الاثیر، ۱۳۷۷: ج ۱، (۱-۲-۳) ص ۱۲۳؛ البته ابن اثیر این روایت را در ترجمه الحارث بن نبیه این گونه آورده که انس بن حارث روایت کرد از پدرش حارث بن نبیه که- از اصحاب پیامبر بود- گفت: « شنیدم از رسول خدا، در حالی که حسین در آغوش-حجر- او بود که فرمودند: این فرزند من در زمینی که عراق نامیده می شود به شهادت خواهد رسید؛ پس هر که وی را درک کند، باید یاریش کند، پس انس بن حارث با حسین به شهادت رسید. البته این روایت از انس بن حارث روایت شده که گفت: از رسول خدا شنیدیم و نگفت: از پدرم شنیدم که رسول خدا فرمود». (ابن حجر، ۱۴۲۶: ج ۱، ص ۲۷۰؛ المقریزی، ۱۴۲۰: ج ۱۲، ص ۲۴۰، و ج ۱۴، ص ۱۴۸) هر چند دسته ای دیگر بدون ذکر روایت فوق، تصریح به شهادت انس بن حارث کرده اند. (البخاری، بی تا: ج ۲، ص ۳۰؛ العجلی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۱۷؛ ابن نما، ۱۹۵۰: ص ۴۶؛ الطوسی، ۱۹۶۱: ص ۳؛ ابن یوسف الحللی، ۱۴۱۷: ص ۷۵؛ ابن داود، ۱۹۷۲: ص ۵۲؛ الرازی، ۱۹۵۲: ج ۲، ص ۲۸۷، ش ۱۰۴۲؛ ابن حبان، ۱۹۷۸: ج ۴، ص ۴۹) از آنچه گذشت بدست آمد در صورتی که انشا کننده این زیارت امام معصوم شناخته شود، این سهو قلم ها که محدود به موارد فوق نیست، را چگونه باید توجیه کرد؟! هر چند ممکن است اشکال به ناسخ باز گردانده شود که در طول زمان نویسندگان این اشتباهات را ثبت کرده اند، اما بر فرض قبول این مطلب و چشم پوشی از این مشکل و دیگر مشکلات سندی و تاریخی، با مشکل مهمتر و جدی تری مواجه هستیم که هیچ راه توجیهی ندارد.

#### نکته دوم: سلام دادن به غیر شهدای کربلا

از دیگر نکاتی که در زیارت رجبیه قابل تامل است آنکه ابن طاووس بعد از آنکه قسمتی از این زیارت را بیان کرده، تصریح می کند: «ثم التفت، فسلم علی الشهداء». (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۴) «سپس توجه کن، پس بر شهداء سلام بفرست». مفهوم این جمله آن است که کسانی که در این زیارت نام آنها ذکر شده، از شهدای کربلا هستند. اما این مطلبی نادرست است و به غیر از شهدا در این زیارت نیز سلام داده شده، حتی بر برخی از دشمنان اهل بیت نیز سلام ذکر شده است.

مورد اول: «السلام علی عقبه بن سمعان» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۴) این سلام این معنی را به دنبال دارد که عقبه بن سمعان در کربلا به شهادت رسید و به همین خاطر عده ای با استناد به این سلام تصریح کرده اند: عقبه بن سمعان در کربلا به شهادت رسید. (المنامی، ۱۴۲۶: ج ۵، ص ۲۴۸؛ الخوئی، ۱۹۷۳: ج ۱۱، ص ۱۶۶؛ ذکر این نکته لازم است آنگونه که آیت الله خویی بیان داشته اند، مورخین عامه بیان نکرده اند که وی از معرکه فرار کرد، بلکه گویند: عقبه اسیر شده که منابع و اصل متن در همین بحث از دید خوانندگان محترم می گذرد). اما بیان این مطلب برخلاف متون کهن تاریخ است؛ زیرا هر چند عقبه در کربلا حاضر و در لشکر امام حسین می جنگید، اما روز عاشورا به شهادت نرسید، بلکه اسیر شد و عمر بن سعد او را آزاد کرد. به همین خاطر بعد از حادثه کربلا عقبه بن سمعان یکی از راویان مشهور در نقل حوادث کربلا بود. ابومخنف و طبری از قول عقبه بن سمعان نقل کرده اند: «همراه امام حسین خارج شدم و از مدینه به مکه و از مکه به عراق با ایشان بودم و از وی جدا نشدم تا اینکه به شهادت رسید. در مدینه و مکه و در راه و در عراق و در لشکر هر سخنی که فرمودند، آن را شنیدم». (ابو مخنف، ۱۳۶۴: ص ۱۰۰؛ الطبری، ۱۹۳۹: ج ۴، ص ۳۱۳؛ ابن الاثیر، ۱۹۷۹: ج ۴، ص ۵۴) بنابراین عقبه یکی از راویان مشهور کربلاست که ابومخنف و طبری وقایعی از حرکت امام از مدینه تا عاشورا را از عقبه نقل کرده اند. از جمله داستان قصر بنی مقاتل و خواب دیدن امام حسین و اینکه فرزند آن حضرت خطاب به پدر خود گفتند: مگر ما بر حق نیستیم... (ابومخنف، ۱۳۶۷: ص ۱۷۷؛ ابو مخنف، ۱۳۶۴: ص ۹۲؛ الطبری، ۱۹۳۹: ج ۴، ص ۳۰۸؛ ابن نما، ۱۹۵۰: ص ۳۴؛ المفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۸۲؛ مجلسی، ۱۳۹۸: ج ۴۴، ص ۳۷۹)؛ یا داستان خروج امام حسین از مکه و ممانعت ماموران عمرو بن سعید بن عاص که کجا می روید و چرا بین مسلمین اختلاف ایجاد می کنید؛ (ابو مخنف، ۱۳۶۴: ص ۶۷) یا وقتی که حر بن یزید در منزل ذو حسم جلو امام را گرفت، آن حضرت خطاب به حر فرمود: شما برای ما نامه نوشتید و ما را دعوت کردید؟ حر پاسخ داد: از کدام نامه سخن می گویی؟ سید الشهداء به عقبه بن سمعان دستور داد دو خورجین نامه را برای حر بیاور... (ابومخنف، ۱۳۶۷: ص ۱۷۰؛ ابو مخنف، ۱۳۶۴: ص ۸۴؛ الطبری، ۱۹۳۹: ج ۴، ص ۳۰۳؛ المفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۸۰؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ج ۵، ص ۷۸) و این گونه حوادث را که عقبه بن سمعان بعد از حادثه کربلا نقل کرده است. بنابراین هر چند در زیارت رجبیه به عنوان شهید کربلا عقبه بن سمعان دارای سلام است، اما این سلام نادرست می باشد.

در پایان ذکر این نکته لازم است که مرحوم علامه مامقانی ضمن تصریح بر اسارت عقبه بن سمعان کلام غریبی ذکر کرده است: «... عقبه از اسب ها نگه داری می کرد؛ پس هنگامی که امام حسین به شهادت رسید، عقبه سوار بر اسب شده و فرار کرد؛ اهل کوفه او را اسیر کردند، و گمان کردند که عقبه بن سمعان غلام رباب، دختر امرء القیس کلبیه، زوجه امام حسین است، فلذا او را رها کردند و ایشان از جمله راویان حوادث کربلا شد و برخی از اخبار آن حادثه را نقل کرد، با این وجود حال وی مجهول می باشد، بلکه وی از نصرت امام تخلف کرد و همین باعث می شود که راجع به وی دچار شک و تردید شویم». (المامقانی، ۱۳۵۲: ج ۲، ص ۲۵۴، ذیل عقبه بن سمعان) اما به نظر این برداشت قابل تامل و برخلاف متن تاریخ کهن و معتبر است. زیرا ارباب مقاتل و مورخین بزرگ در این باره تصریح کرده اند: «و عمر بن سعد، عقبه بن سمعان را دستگیر کرد - او غلام رباب، دختر امری القیس کلبی و مادر سکینه، دختر حسین بود- ابن سعد به عقبه گفت: تو کیستی؟ جواب داد: من غلام مملوک هستم، پس عمرو سعد او را رها کرد که برود». (ابومخنف، ۱۳۶۷: ص ۲۵۷؛ أبو مخنف، ۱۳۶۴: ص ۲۰۲؛ الطبری، ۱۹۳۹: ج ۴، ص ۳۴۷؛ ابن الاثیر، ۱۹۷۹: ج ۴، ص ۸۰) بنابر این کلام و دیدگاه علامه مامقانی - قدس سره - در این مورد قابل تامل و دقت است و حتی در منابع جامع اسماء شهدای کربلا - زیارت ناحیه، تسمیه من قتل و الحدائق نیز نام وی به عنوان شهید ذکر نشده است. (ر.ک ابن المشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۷-۴۹۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۷۳-۸۰؛ المرشد بالله، ۱۴۰۳: جزء الاول، ص ۱۷۰؛ ابن احمد، ۱۴۰۵: ص ۱۱۷-۱۲۲) علاوه بر این مرحوم علامه تستری در ترجمه عقبه بن سمعان بعد از ذکر حوادثی که وی از واقعه کربلا ذکر می کند - و همه دال بر زنده بودن عقبه بعد از عاشورا می باشد - می نویسد: «غریب اینکه با وجود زنده بودن نام وی [در زیارت رجبیه آمده سپس به سوی شهدا توجه کن و بگو: السلام علی عقبه بن سمعان]». (التستری، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۲۱۹)

مورد دوم: جبلة بن عبدالله از دیگر کسانی است که در این زیارت به او سلام داده شده است. «السلام علی جبلة بن عبدالله» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۵) سلام مذکور گویای آن است که جبلة در کربلا به شهادت رسید. به خاطر همین سلام عده ای از رجال شناسان و نویسندگان متاخر، نام جبلة بن عبدالله را در شمار شهدای کربلا ضبط کرده (الخوئی، ۱۹۷۳: ج ۴، ص ۳۴؛ النمازی، ۱۴۲۶: ج ۲، ص ۱۱۶؛ دایرة المعارف تشیع، ۱۳۸۰: ج ۵، ص ۳۱۳) و برخی تصریح کرده اند: جبلة بن عبدالله «جان خود را فدای امام زمانش، ریحانه رسول الله نموده و سزاوار است که وی را

در اعلی مراتب وثاقت و جلالت شمرد». (المامقانی، ۱۴۲۳: م ۱۳۵۱، ج ۱۴، ص ۲۳۳؛ البته این مطلب در مستدرکات این کتاب اضافه شده است). بنابراین هر چند در برخی کتب رجالی متاخر نامش به عنوان شهید کربلا ذکر شده و با این استناد بر زیارت رجبیه صحه گذاشته اند، اما این مطلب نادرست و به دور از شان تحقیق بوده و حتی در منابع جامع اسماء شهدای کربلا - زیارت ناحیه، تسمیه من قتل و الحدائق نیز نام وی به عنوان شهید ذکر نشده، (ر.ک ابن المشهدی، ۱۴۱۹: ۴۸۷-۴۹۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۷۳-۸۰؛ المرشد بالله، ۱۴۰۳: جزء الاول، ص ۱۷۰؛ ابن احمد، ۱۴۰۵: ص ۱۱۷-۱۲۲) و نه تنها در تاریخ کربلا نامی از جبله بن عبدالله در شمار اصحاب امام حسین ضبط نشده، بلکه در کتب تاریخ عکس این مطلب بیان شده است. به عبارت دیگر جبله بن عبدالله در عصر امام حسین و حضرت سجاد می زیست و برخلاف آنچه ادعا شده این فرد نه تنها جزء یاران سیدالشهداء نبود، بلکه بعد از حادثه کربلا، و در قیام توابین که به رهبری سلیمان بن صرد شکل گرفت، جبله بن عبدالله از طرف عبیدالله فرمانده لشکر بود. وی که فرماندهی میمنه لشکر را بر عهده داشت در جمادی الاولی سال ۶۵ هجری، به همراه حصین بن نمیر، شرحبیل بن ذی الکلاع حمیری، ادهم بن محرز باهلی و ربیع بن مغارق غنوی که همه از دشمنان اهل بیت -علیهم السلام- بودند تحت فرماندهی ابن زیاد، در منطقه‌ی عین الوردیه با نیروهای توابین مواجه شده و به نبرد با یکدیگر پرداختند. (ر.ک الطبری، ۱۹۳۹: ج ۴، ص ۴۶۴؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ج ۶، ص ۲۲۲؛ ابن الاثیر، ۱۹۷۹: ج ۴، ص ۱۸۲، لازم به ذکر است در کتاب ابن اثیر سهو قلمی رخ داده و نام جبله بن عبدالله، به اشتباه جمله بن عبدالله ضبط شده است، و این در حالی است که در صفحه ۱۸۰ نام این فرد جبله بن عبدالله ضبط شده که این نوع ضبط صحیح و مطابق با کتب کهن تاریخی می باشد). همانگونه که مشاهده شد تنها در قرن هفتم آن هم در زیارت رجبیه که فاقد سند است، نام جبله در شمار شهدای کربلا ثبت شده، که این مطلب با نص تاریخ معتبر ناسازگاری دارد، زیرا این فرد تا سال ۶۵ زنده و در شمار دشمنان اهل بیت قلمداد می شد، با این وجود دیگر معنا ندارد نام این دشمن اهل بیت را در شمار شهدای کربلا ذکر کرده و وی را در اعلی مراتب وثاقت و جلالت قلمداد کرد و در زیارت رجبیه به وی سلام داده شود؟!!

مورد سوم: سلیمان بن عوف از دیگر کسانی است که در این زیارت دارای سلام است. «السلام علی سلیمان بن عوف حضر می»، (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۳۴۵) طبق این سلام سلیمان از شهدای کربلاست. اما این مطلبی نادرست و بر خلاف متن معتبر تاریخ بوده و به هیچ وجه نمی

توان نام وی را در شمار اصحاب امام حسین قلمداد کرد، تا چه رسد که در کربلا نیز به شهادت رسیده باشد. در حادثه کربلا سلیمان بن عوف حاضر در لشکر عمر بن سعد بود،! طبق تصریح کتب معتبر و کهن سلیمان بن عوف روز عاشورا، یکی از یاران امام حسین بنام سلیمان مولی حسین را به قتل رساند. (ابو مخنف، ۱۳۶۴: ص ۲۴۳؛ الطبری، ۱۹۳۹: ج ۴، ص ۳۵۹؛ ابن الاثیر، ۱۹۷۹: ج ۴، ص ۹۳؛ ابن الزبیر، ۱۴۰۶: ص ۱۵۲؛ ابن احمد، ۱۴۰۵: ص ۱۲۱؛ ابن المشهدی، ۱۴۱۹: ص ۴۹۱؛ ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۷۶) با این وجود سلام در زیارت رجبیه به این دشمن و قاتل چه معنایی دارد! چگونه امام زمان به قاتل یکی از اصحاب جدش سلام می دهد؟! لازم به ذکر است مرحوم مجلسی نسخه ای که از زیارت رجبیه نقل کرده، اندک تفاوتی با نسخه ی زیارت ابن طاووس دارد- اگر این اشکال را به نسخ مستند نکنیم- مثلاً در ذیل همین مورد علامه مجلسی نام سلیمان بن عوف حضرمی در زیارت رجبیه اقبال را سلیمان بن عون حضرمی ضبط کرده (المجلسی، ۱۳۹۸: ج ۹۸، ص ۳۴۰) و عده ای از متاخرین بدون مراجعه به منبع اولیه که اقبال باشد، و با تکیه بر متن بحار نام سلیمان بن عون حضرمی را در زمره ی شهدای کربلا ذکر کرده اند. (المنامی، ۱۴۲۶: ج ۴، ص ۱۴۳؛ شمس الدین، ۱۳۹۸: ص ۱۳۷ و ۲۰۲) این در حالی است که در منبع اولیه سلیمان فرزند عوف است نه عون! ثانیاً این فرد از لشکر ابن سعد بود، نه از اصحاب امام حسین و شهدای کربلا!! البته احتمال دارد که در متن افتادگی رخ داده و متن اصلی چنین بوده است سلیمان مولی حسین قتله سلیمان بن عوف» در برخی متون در مورد شهدای کربلا مشابه آن آمده است. (المجلسی، ۱۳۹۸: ج ۴۵: ص ۶۹)

#### نکته سوم: عدم لغزش ابن طاووس

حال ممکن است برای کسی این شائبه ای پیش بیاید، ابن طاووس-قدس سره- که از جمله علماء بزرگ شیعه است، چگونه زیارتی این گونه را نقل کرده که در آن بر قاتل و دشمن سلام فرستاده؟! در پاسخ باید عرض کرد: اولاً ابن طاووس این زیارت را به هیچ امام و یا ناحیه ای نسبت نداده تا این اشکال وارد باشد!! ثانیاً. زیارت رجبیه از تالیفات ابن طاووس نیست تا اشکال شود چگونه بر قاتل یکی از یاران امام سلام داده!! همانگونه که وی در ابتدا زیارت رجبیه تصریح کرده: این زیارت «مما یزار به الحسین» است. ظاهراً در زمان ابن طاووس عامه مردم با این زیارت امام حسین و اصحاب آن حضرت را زیارت می کردند، و ابن طاووس همان زیارت را نقل کرده و

این نقل قول به هیچ وجه دلیل تایید تمام مطالب آن نیست، بلکه صرفاً ابن طاووس درصدد جمع آوری زیارات بوده، همانگونه که علامه مجلسی در بحارالانوار درصدد جمع روایات بود. به طور قطع در بحارالانوار روایاتی وجود دارد که از هیچ گونه اعتبار سندی و محتوایی برخوردار نیست، اما آیا می توان به علامه مجلسی خورده گرفته شود که این چه روایاتی است که جمع آوری کرده است، مسلماً خیر، زیرا علامه مجلسی - قدس سره - در صدد تجمیع روایات بود، نه درصدد پالایش احادیث! دقیقاً همین نکته در مورد ابن طاووس قابل صدق است، و هیچ اشکالی از این ناحیه متوجه آن بزرگ نمی شود. زیرا اگر زیارات منسوب به امام و یا حتی فرد خاصی بود بر آن تصریح می کرد، یا شخص ابن طاووس آن را انشاء کرده بود، این اشکال وارد بود.

به بیان ساده تر دعاها و زیاراتی که نقل شده لزوماً از طرف اهل بیت عصمت - علیهم السلام - نیست. همانگونه که ابن طاووس در اعمال ماه ذی الحججه و هنگام نگاه کردن به ماه تصریح کرده: «و لم اجد له دعاء يختص بالنظر اليه، فانشانها لذلك ما دلنا الله عز وجل جلاله عليه فنقول...» (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۱) «و من هنگام رویت ماه، دعایی که مختص به آن باشد، نیافتم، پس دعایی برای هنگام رویت ماه انشاء کردیم که خداوند عز وجل ما را بر این کار هدایت فرمود، پس می گویم...». و همین انشاء دعا، در مورد زیارات نیز صادق بوده و انشاء و تالیف زیارت برای بزرگان دین امر بعید و غریبی نبود. همانگونه که علامه مجلسی در ذیل زیارتی که برای امام ذکر کرده، تصریح دارد: «الظاهر ان قوله - ثم زر - الی آخره من كلام المؤلف» (المجلسی، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۲۳۱) «ظاهراً از عبارت «ثم زر» به بعد از کلام مؤلف کتاب البلد الامین است». یا مجلسی در ذیل همین صفحه زیارت دیگری را برای امام ذکر کرده، سپس می نویسد: «و الظاهر انه من تالیف السيد المرتضی» (المجلسی، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۲۳۱) «ظاهراً این زیارت را سید مرتضی تالیف کرده است». یا در جای دیگر نوشته: «والظاهر ان هذه الزیارة من مولفات السيد والمفيد رحمهما الله...» (المجلسی، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۲۵۱) «ظاهراً این زیارت از مولفات سید و شیخ مفید هست». بنابراین استبعادی ندارد که انسان زیارتی را برای بزرگان انشاء کند، همانگونه که برای تمام امام زاده ها - بجز چند نفر - زیارات توسط علماء انشاء شده است. اما آن چیزی که اشکال دارد این است که مطلبی - هر چند خوب و مفید - را از پیش خود ساخته و به معصوم نسبت دهیم.

اما در مورد زیارت رجبیه که ابن طاووس آن را نقل کرده باید گفت: وی در نقل روایات و مطالب دیگر بزرگان اضبط در نقل است و زیاراتی را که نقل کرده اگر دارای راوی و یا ناقل بود،



حتما بر آن تصریح می کرد، همانگونه که در برخی موارد تصریح کرده: «الفاظ زیارت که در نصوص وارد شده است را ذکر می کنم». (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۶۵) یا در جای دیگر نوشته: «الفاظ زیارت امام حسین که در خبر نقل شده است را روایت می کنم». (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۱۰۰) اما در برخی موارد آن را به امام نسبت نداده و تنها به ذکر متن تاریخی اکتفاء کرده است. (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ج ۳، ص ۷۳) راجع به زیارت رجبیه همانگونه که گذشت هیچ کدام از این موارد صادق نیست، نه خود آن را انشاء کرده و نه از امام و یا راوی نقل نموده تا اشکال شود که چرا در زیارت رجبیه بر قاتل یکی از یاران امام حسین سلام داده است؟! و ظاهرا اینکه بزرگانی همانند خوئی، نمازی، امین و... تنها با استناد به زیارت رجبیه در صدد استخراج نام شهدای کربلا بر آمده اند، این اعتماد به تنهایی کافی نیست و از آنجا که در این زیارت نام برخی افراد ذکر شده که در جای جای تاریخ کربلا هیچ اثری از آنها به چشم نمی خورد، نام افرادی که به تنهایی در این زیارت ذکر شده، قابل اعتماد نیست و نمی توان آنها را در زمره ی شهدای کربلا قلمداد کرد. هرچند در این زیارت نام برخی از شهدای کربلا نیز وجود دارد که به آنها سلام داده شده و بخاطر قدمت تاریخی این زیارت، چون این اسماء در دیگر کتب به عنوان شهید کربلا قلمداد شده اند، می توان به این زیارت به عنوان موید با آن استناد کرد. در میان کتب رجالی مرحوم تستری با اینکه مواردی به زیارت رجبیه استناد کرده، اما در مجموع مطالب متفردی که در این زیارت ذکر شده را قبول ندارند و نسبت به این زیارت نگاهی نقادانه دارد. مثلا در ذیل نام مقسط بن عبدالله برادر قاسط می گوید: شیخ در رجالش او را از اصحاب حسین قلمداد کرده و از شهدای کربلاست» و لم افهم وجه التسليم على اخويه قاسط و كردوس في الرجبية و الناحية... اقول: لم يذكر اي سيره ذكرت ما قال، فليس كل كتاب بمعتبر» (التستري، ۱۳۸۷: ج ۱۰، ص ۲۳۳) و در مواردی به برخی اشکالات وارده در زیارت رجبیه نیز اشاره می کند. (ر.ک التستري، ۱۳۸۷: ج ۱۰، ص ۷۰ و ج ۱۱، ص ۹۵) اما برخی دیگر از رجال شناسان- که در بالا ذکر شد- این زیارت را قبول کرده و با استناد به آن در صدد استخراج نام شهدای کربلا بر آمده اند. علامه امین نیز در مواردی با استناد به این زیارت نام برخی را همانند عقبه بن سمعان به عنوان شهید کربلا ذکر کرده است. (الامین، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۴۳۷) مرحوم شمس الدین ضمن بیان میزان اعتبار این زیارت تصریح دارند: ابن طاووس این زیارت را انشاء کرده و نمی توان آن را مصدر اساسی برای استخراج نام شهدای کربلا قلمداد

نمود. زیرا ممکن است منابع مورد استناد سید اعتبار لازم را نداشته باشند. (شمس الدین، ۱۴۲۹: ص ۲۱۶)

#### نتیجه

از آنچه گذشت به دست آمد در بیان سیر حوادث تاریخی، تکیه بر منابع ضعیف و فاقد اعتبار لازم، بسیار مشکل ساز است. به طوری که ناخودآگاه بر دشمن و قاتل یکی از یاران حسین سلام فرستاده می شود. هر چند تاریخ زیارت رجبیه به قرن هفتم باز می گردد و شخصیتی همانند ابن طاووس آن را نقل کرده، اما از آنجا که گوینده ی این زیارت مشخص نیست چه کسی بوده و فاقد سند است، از طرف دیگر در این زیارت بر افرادی سلام داده شده که یا در کربلا حضور نداشتند یا در لشکر ابن سعد بودند و یا به شهادت نرسیدند، نمی توان به آن اعتماد کرده و اسامی شهدای کربلا را از آن استخراج نمود. اما از آنجا که تاریخ این زیارت به قرن هفتم باز می گردد، می توان به عنوان مویدی ضعیف به آن استناد کرد، اما به طور مستقل نمی توان بر آن تکیه کرد. نکته پایانی آنکه در پژوهش تاریخی قبل از ذکر مطلب باید، از صحت و سقم منبع مورد استناد و میزان اعتبار آن اطلاع پیدا کرد، سپس به نقل و یا نقد آن مطلب پرداخته شود.

#### منابع

- ۱- الابطحي، محمد علی (۱۴۱۷) تهذيب المقال فی تنقيح كتاب رجال النجاشی، قم، بی نا، چاپ دوم.
- ۲- ابن احمد، حمید (۱۴۰۵) الحدائق الوریة فی مناقب ائمة الزیدیة، دمشق، دار اسامة، الطبعة الثانية.
- ۳- ابن اعثم، احمد (۱۴۱۱) الفتوح، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول.
- ۴- ابن الاثیر، علی بن ابی الکریم (۱۳۵۶ق) الکامل فی التاریخ، تصحیح: عبدالوهاب النجار، اداره الطباعة المنیره، بی جا، الطبعة الاولى.
- ۵- ابن الاثیر، علی بن ابی الکریم (۱۹۷۹) الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ۶- ابن الاثیر، علی بن محمد (۱۳۷۷ق) اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تهران، المكتبة الاسلامية.

- ۷- ابن الزبير، الفضيل (۱۴۰۶) تسمیة من قتل مع الحسين، تحقيق: السيد محمد رضا الحسيني، المنقول من مجلة تراثنا، العدد الثاني، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.
- ۸- ابن المشهدی، محمد (۱۴۱۹) المزار الكبير، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، قم، نشر القيوم، الطبعة الاولى.
- ۹- ابن حبان، محمد (۱۹۷۸) الثقات، هند، مؤسسة الكتب الثقافية، الطبعة الاولى.
- ۱۰- ابن حجر العسقلاني، احمد بن علي (۱۴۲۶) الاصابة في تمييز الصحابة، تحقيق: عادل احمد و علي محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، الطبعة الثالثة.
- ۱۱- ابن داود، الحسن بن علي (۱۹۷۲) رجال ابن داود، تحقيق: محمد صادق آل بحر العلوم، النجف الاشرف، مطبعة الحيدرية.
- ۱۲- ابن شهر آشوب، محمد بن علي (بي تا) مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه.
- ۱۳- ابن طاووس، علي (۱۴۱۶) الاقبال بالاعمال الحسنه، تحقيق: جواد القيومي الاصفهاني، مكتب الاعلام الاسلامي، قم، الطبعة الاولى.
- ۱۴- ابن عساکر، علي بن الحسن (۱۴۲۱) تاريخ مدينه دمشق الكبير، تحقيق: علي عاشور، بيروت، دار احياء التراث العربي، الطبعة الاولى.
- ۱۵- ابن كثير، اسماعيل (۱۴۲۸) البداية و النهاية، تحقيق: سيد ابراهيم الحويطي، مصر، دار اليقين، الطبعة الاولى.
- ۱۶- ابن مكي، محمد المعروف بشهيد الاول (۱۴۱۰) المزار، تحقيق: مدرسه الامام المهدي، قم، موسسه الامام المهدي.
- ۱۷- ابن نما الحلبي، هبه الله (۱۹۵۰) مثير الاحزان، النجف الاشرف، بي تا.
- ۱۸- ابن يوسف الحلبي، الحسن (۱۴۱۷) خلاصة الاقوال، تحقيق: جواد القيومي، مؤسسة النشر الفقاهة، الطبعة الاولى.
- ۱۹- ابومخنف، لوط بن يحيى (۱۳۶۴) مقتل الحسين، تحقيق: الحسين الغفاري، قم، چاپخانه علميه، چاپ دوم.
- ۲۰- ابومخنف، لوط بن يحيى (۱۳۶۷) وقعة الطف، تحقيق: محمد هادي اليوسفي، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، الطبعة الاولى.
- ۲۱- الاردبيلي، محمد (بي تا) جامع الرواة، اردبيل، بي تا.

- ۲۲- الامین، محسن (۱۴۱۸) اعیان الشیعة، تحقیق: حسن الامین، دار المعارف للمطبوعات، بیروت، الطبعة الخامسة.
- ۲۳- البخاری، اسماعیل بن ابراهیم (بی تا) التاريخ الكبير، المكتبة الاسلامية.
- ۲۴- البروجردی، علی (۱۴۱۰) طرائف المقال، تحقیق: السيد مهدي الرجائي، قم، مكتبة المرعشي النجفي، چاپ اول.
- ۲۵- التستري، محمد تقی (۱۳۸۷ق) قاموس الرجال، تهران، مركز نشر الكتاب.
- ۲۶- التفرشی، مصطفی (۱۳۱۸) نقد الرجال، طهران، الرسول المصطفی.
- ۲۷- الخطيب القزويني (بی تا) الاكمال في اسماء الرجال، تعليق: محمد بن عبدالله، قم، مؤسسة اهل البيت.
- ۲۸- الخوئي، ابوالقاسم (۱۹۷۳) معجم رجال الحديث، النجف الاشرف، مطبعة الآداب، الطبعة الاولى.
- ۲۹- دايرة المعارف تشيع (۱۳۸۰) تهران، نشر محبی.
- ۳۰- الرازی، عبدالرحمن بن ابی حاتم (۱۹۵۲) الجرح و التعديل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى.
- ۳۱- شمس الدين، محمد مهدي (۱۴۲۹) انصار الحسين، قم، موسسه دار الكتاب الاسلامی، چاپ سوم.
- ۳۲- الصفدی (۱۴۲۰) الوفی الوفیات، تحقیق: احمد الارناوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۳۳- الطبری، محمد بن جریر (۱۹۳۹) تاریخ الامم و الملوك، تصحیح: نخبة من العلماء الاجلاء، قاهرة، مطبعة الاستقامة.
- ۳۴- الطوسی، محمد بن الحسن (۱۹۶۱) رجال الطوسی، تحقیق: محمد صادق آل بحر العلوم، النجف الاشرف، المطبعة الحيدرية، الطبعة الاولى.
- ۳۵- العجلی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵) معرفة الثقات، المدينة المنورة، مكتبة الدار، الطبعة الاولى.
- ۳۶- المامقانی، عبدالله (۱۳۵۲) تنقيح المقال في علم الرجال، النجف الاشرف، المطبعة المرتضوية.

- ۳۷- مامقانی، یوسفعلی (۱۳۶۰ق) عطیه الذره، تهران، بی نا.
- ۳۸- المامقانی، عبدالله (۱۴۲۳) تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق و استدراک: محی الدین المامقانی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۳۹- المتقی الهندی، علی (۱۴۱۹) کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
- ۴۰- المجلسی، محمد باقر (۱۳۹۸) بحار الانوار، طهران، المكتبة الاسلامیة، الطبعة الثانية.
- ۴۱- المرشد بالله، یحیی بن الحسین (۱۴۰۳) الامالی الخمیسیه، بیروت، عالم الکتب، چاپ سوم.
- ۴۲- المفید، محمد بن النعمان (۱۴۱۳) الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، الطبعة الاولى.
- ۴۳- المقریزی، احمد بن علی (۱۴۲۰) إمتاع الأسماع المقریزی، تحقیق: محمد عبد الحمید، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
- ۴۴- النجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۳) رجال النجاشی، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، قم، النشر الاسلامی، الطبعة الرابعة.
- ۴۵- النمازی، علی (۱۴۲۶) مستدرکات علم رجال الحدیث، قم، النشر الاسلامی، الطبعة الاولى.